



The Responsibility of the Indirect Cause in Unintentional Acts Leading to Death from the Perspective of Islamic Criminal Jurisprudence¹

Musa Askari¹ Mohsen Malek Afzali Ardakani²

1. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author)
askari.mosa1395@gmail.com; Orcid: 0009-0004-6895-7762
2. Full Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran
mohsenmalekafzali@yahoo.com; Orcid: 0000-0002-5478-2277

Abstract

In Islamic criminal jurisprudence, concepts such as indirect causation (*tasbib*) and the concurrence of the cause and the direct agent (*Ijtima' sabab wa mubashir*) are among the recognized bases for criminal liability. Given the various scenarios under which *tasbib* may lead to criminal responsibility, this paper employs a descriptive-analytical method to examine the extent of the liability of the indirect cause in a case where an individual engages in behavior that is inherently lethal, but the resulting crime occurs through an unintended factor. Despite intra-sectarian differences in both Jafari and Sunni jurisprudence, the findings of this research suggest that indirect causation of death—even through an unintended method—can in certain cases be considered intentional homicide, warranting *qisas* (retributive punishment), unless the unintended

1. Askari, M., & Malek Afzali Ardakani, M. (2025). The responsibility of the indirect cause in unintentional acts leading to death from the perspective of Islamic criminal jurisprudence. *Journal of Fiqh*, 31(120), pp. 78-108. [In Persian]. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.68837.2795>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/04/15 • **Revised:** 2024/06/26 • **Accepted:** 2025/01/23 • **Published online:** 2025/05/10

© The Authors



factor was neither a natural consequence of the intended act nor foreseeable. In such cases, although the criteria for intentional homicide are present, due to precaution, the indirect cause is liable for *diyya* (blood money); alternatively, if the unintended factor involves human intervention, the indirect cause may be subjected to *ta'zir* (discretionary punishment).

Keywords

Cause, Direct Agent, Conflict of Causation, Criminal Responsibility, Unintended Act.

مسئولیت سبب در قتل با فعل غیر مقصود از منظر فقه جزایی اسلام

موسی عسکری^۱ محسن ملک‌افضلی اردکانی^۲

۱. دانشجویی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).
askari.mosa1395@gmail.com; Orcid: 0009-0004-6895-7762

۲. استادتمام جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

mohsenmalekafzali@yahoo.com; Orcid: 0000-0002-5478-2277



چکیده

در فقه جزایی اسلام، از جمله موجبات مسئولیت کیفری، عناوینی چون تسبیب، اجتماع سبب و مباشر است. از آنجای که تسبیب در جنایت فروض مختلف دارد، این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و به غرض کمک و بازشناسی، میزان مسئولیت سبب، در فرضی که شخص اقدام به رفتار به نوعی کشنده می‌کند، ولی جنایت مقصود، توسط علت غیر مقصود، حاصل می‌شود، پرداخته است. برخلاف اختلاف دیدگاه درون فرقه‌ای، در فقه جعفری و فقه عامه، بر ایند تحقیق این است که تسبیب در قتل ولو با روش غیر مقصود، در برخی موارد قتل عمدی و مجازات قصاص را در پی دارد، مگر اینکه عامل غیر مقصود، از پیامدهای تبعی رفتار مقصود نبوده و غیر قابل پیش‌بینی باشد. در این فرض نیز معیار قتل عمد موجود است؛ اما از باب احتیاط، سبب ملزم به پرداخت دیه است، یا اینکه عامل غیر مقصود انسان باشد، که در این فرض سبب، تعزیر می‌شود.

کلیدواژه‌ها

سبب، مباشر، تراحم، مسئولیت کیفری، فعل غیر مقصود.

* استناد به این مقاله: عسکری، موسی؛ ملک‌افضلی اردکانی، محسن. (۱۴۰۳). مسئولیت سبب در قتل با فعل غیر مقصود از منظر فقه جزایی اسلام. فقه، ۳۶(۱۲۰)، صص ۷۸-۱۰۸.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.68837.2795>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰



مقدمه

در فقه جزای اسلام برای تشخیص قتل عمدی دو شرط، یکی قصد قتل و دوم هم رفتار نوعاً کشنده، ذکر شده (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۰). در یک جمع‌بندی از فقه اهل سنت نیز به دست می‌آید که قصد نتیجه و رفتار نوعاً کشنده معیار بازشناسی قتل عمدی از غیر عمدی است (الغماری الحسینی، ۲۰۱۰م، ج ۸، ص ۴۱۶؛ کاسانی، ۲۰۰۰م، ج ۸، ص ۷۰؛ سرخسی، ۲۰۰۰م، ج ۱۳، ص ۵۴).

اگر جانی، قصد قتل را داشته ولی فعل را که منتج به قتل شده به قصد انجام نداده است، به‌طور مثال قصد کشتن با اسلحه را داشته، ولی در حین عبور از جاده، فرد مورد نظر را با ماشین خود زیر می‌گیرد، بعد متوجه می‌شود که مقتول همان فرد مورد نظر است، در اینجا، عمد نیست. در حین تصادف قصد قتل نداشته و تقارن زمانی بین عنصر مادی و روانی در قتل عمدی شرط است که در این فرض تقارن وجود ندارد. با اینکه قصد قتل الف را دارد ولی در حین تصادف اصلاً نمی‌شناخت این همان شخص مورد نظر است. اینجا قتل عمد نخواهد بود (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۸).

اما اگر تقارن زمانی وجود داشت ولی بخاطر عارض شدن عامل دیگر بین نتیجه و فعل سبب، در احراز رابطه‌ی استناد، شبهه ایجاد شد، که از سوی فرد هم قصد قتل و هم رفتار به نوعی کشنده وجود دارد ولی در مقابل نتیجه توسط عامل بیرونی به ثمر رسیده است، اگرچه اقدام فرد اولی زمینه ساز وقوع جرم شده است.

این مسئله از قدیم مطرح بوده و در تحقیقات معاصر نیز در مقاله‌ی تحت عنوان «جنایت نظیر و اشتباه» توسط دکتر ساریخانی در فصلنامه‌ی پژوهش‌های حقوق کیفری، و در کتاب‌های حقوق جزای اختصاصی هادی صادقی و احمد حاجی ده آبادی، تحت عنوان تحقق جنایت با فعل غیر مقصود، نمایه شده است. ولی در تحقیقات مذکور به دو نکته توجه نشده. نکته اول مسئولیت سبب حتی در فروض که مجازات اصلی از او مرتفع است. نکته دوم عدم توجه به مبانی و مستندات، که در نوشته حاضر، نکته اول به‌عنوان چالش و مشکل مورد بررسی واقع می‌شود. از سویی هم توجه به مبانی و

مستندات در فروض مختلف، موجب تمایز و به‌عنوان نوآوری قابل یادآوری است، که در ساختار ذیل ارایه می‌شود.

الف: مفهوم‌شناسی

به نظر می‌رسد که مفهوم‌شناسی برخی از واژه‌های مهم و کاربردی، لازم و ضروری باشد؛ بنابراین قبل از ورود به بحث اصلی چند واژه‌ی کلیدی معنایابی می‌شود.

۱. تسبیب

تسبیب گرفته شده از واژه‌ی سبب و یا سب است. در لغت عربی بمعنی ریسمان و حبل می‌باشد (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۱۴۴). به هر چیز، وسیله و واسطه‌ی که ما را به هدف برساند و یا به طریق و جاده‌ی که انتهای آن مقصود فرد باشد، سبب اطلاق می‌گردد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۰۳). قسمی که در قرآن کریم نیز به مطلق واسطه و ابزار، سبب اطلاق می‌گردد (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۱). لذا امروزه، در عرف استعمال سبب به معانی نزدیک به هم مثل وسیله، ابزار، باعث، علت و معانی مشابه دیگر یک امر متداول است (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵). در فارسی نیز سبب بمعنی ابزار، وسیله، دست آویز، علت، طریق و باعث شدن آمده است (معین، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۸۱۵). عامل پدید آورنده، موجب، جهت و باعث به کار می‌رود (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۴۰۰۸). با توجه به ریشه‌یابی و مفهوم لغوی، سبب بر یک مفهوم عام که عبارت از مطلق علیت و یا آنچه که در پدید آمدن یک معلول و نتیجه، اگرچه به صورت جزئی و ناقص باشد، اطلاق می‌شود.

در حقوق موضوعه تسبیب بر علت گفته می‌شود و فرق بین تسبیب و مباشر وجود ندارد، ولی در فقه، سبب مفهوم متفاوت از مباشر دارد (قیاسی، ۱۳۷۵، ص ۷۲). تسبیب در فقه به پدید آورنده‌ی خسارت و یا جنایت با واسطه اطلاق می‌شود. لذا سبب عبارت از هر فعلی است که از آن تلف به وجود آید، لکن بین آن فعل و تلف به وسیله عامل دیگر فاصله افتد (عاملی، محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۶۹؛ عاملی حسینی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۵). تسبیب به‌طور دقیق در مقابل مباشر است به شکلی که جرم مستند به سبب است. با اینکه بین

سبب و نتیجه مجرمانه واسطه وجود دارد، ولی این واسطه بخاطر نداشتن مسئولیت کیفری مثل حیوان بودن و یا به هر علت دیگر، جرم قابل استناد به آن نیست و جرم به سبب مستند می شود از این رو مسئولیت کیفری بر سبب بار می شود.

۲. اجتماع اسباب

اسباب، جمع سبب که مفهوم جداگانه از سبب ندارد، ولی در اصطلاح فقهی بر مورد خاص کاربرد دارد. لذا گفته اند اجتماع اسباب به فرض صدق می کند که چندین سبب در طول هم باعث وقوع جنایت و خسارت شود (قیاسی، ۱۳۷۵، ص ۴۶). در بیان فقها صورتی است که با دخالت چند سبب در طول هم باعث فراهم آمدن جنایت شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۴۶). مثال های که در منابع فقهی وجود دارد بخوبی نشان می دهد که مقصود از اجتماع اسباب علل طولی است. مثل اینکه شخص اول سنگ را بر سر راه عبور مردم بگذارد و دومی چاه را حفر نماید و سومی در داخل چاه چاقوی را بگذارد. در نتیجه رفتار همه این اشخاص موجب قتل قربانی شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۳۸۱؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۳۲۲). پس اجتماع اسباب اختراع فقه جزایی اسلام است.

۳. اجتماع سبب و مباشر

مباشر از ریشه بشر در مورد اطلاق می شود که شخص یک عمل را بدون واسطه و مستقیم خودش انجام دهد (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۵۹۰). همچنین که در فارسی مباشر به کسی گفته می شود که کاری را بدون واسطه انجام دهد (بستانی، ۱۳۷۵ق، ص ۷۷۴). در متون حقوقی نیز مباشرت را تعریف نموده است به اینکه فعل یک شخص بدون کدام واسطه، سبب وارد آمدن خسارت شود (امامی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۲). در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده ۴۹۲ تعریف شده است "مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود. لذا اقدام به جنایت بدون واسطه که با توجه به رکن روانی به عمد و غیر عمد تقسیم می گردد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۴۳). پس مباشرت یعنی دخالت در جنایت بدون واسطه (امیرالعزیز، ۲۰۰۷م، ص ۴۱؛ عوده، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص ۲۹). پس معلوم می شود

که مقصود از اجتماع سبب و مباشر مورد است که علت با واسطه و بدون واسطه باعث جنایت گردیده است و هر دو در قتل و جنایت دخالت دارد، و اصل در این باب، ضمان مباشر است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۴).

۴. فعل غیر مقصود

منظور از فعل غیر مقصود این است که جنایت با روش که مقصود مرتکب بوده است محقق نشده، ولی به نحو دیگری به نتیجه رسیده است چنانکه مقصود مرتکب حاصل آید (ساریخانی و افضلی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۱). یا به تعبیر دیگر، جنایت با روش غیر مقصود این است که جنایت به علتی غیر از آنچه که مقصود جانی بوده، محقق شود (صادقی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۳). اگر جنایت با فعل غیر مقصود واقع شود جنایت خطای محض است. چون در جنایت عمدی، فعل باید قصدی باشد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۶)؛ بنابراین وقوع جنایت با فعل غیر مقصود عمدی نیست بلکه خطای محض است و جای بحث را ندارد. ولی در برخی موارد با اینکه جنایت با روش غیر مقصود واقع شده است، از جهاتی دارای پیچیدگی است؛ زیرا مواردی وجود دارد که جنایت با فعل غیر مقصود خطای محض نیست بلکه شبه عمد و یا عمدی است. تشخیص عمدی و شبه عمدی براساس مبانی نیازمند تفکیک و بررسی است. که نوشته حاضر با بررسی چند نمونه به اثبات می‌رساند که جنایت با روش غیر مقصود، گاهی عمدی و گاهی شبه عمد می‌شود و الزاما هر جنایت با فعل غیر مقصود، خطای محض نیست.

ب: حکم تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود از دیدگاه فقهای امامیه

از آنجایی که جنایت با فعل غیر مقصود دارای فروض و مصادیق مختلف است، ناگزیر باید هر فرض را جدا گانه بررسی کرد.

۱. وقوع قتل، توسط رفتار انسانی و غیر مقصود

شخص قصد می‌کند که دیگری را _ از بلندی به‌طور مثال کوه با ارتفاع بلند یا

آپارتمان چندین طبقه، به قصد قتل، بر اثر اصابت شدید بخاطر فاصله‌ی زیاد_ پرتاب می‌کند؛ اما قبل از اینکه مجنی علیه به زمین برسد توسط شخص دیگری، با چاقو و یا اسلحه‌ی دیگر کشته می‌شود. در این فرض، سخن در مسئولیت شخص اول که مقتول را پرتاب کرده، است. چون نقش سبب را دارد.

در فرض مذکور در مسئول بودن شخص دوم به‌عنوان مباشر، شک وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۴۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۸۳؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۱۴؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۰ق)، و مجازات مباشر در قتل عمدی قصاص است (حلی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۵۳۱۹). دلیل فتوای مشهور بر استحقاق قصاص مباشر، مطابق قاعده در باب اجتماع سبب و مباشر می‌باشد که در جای خودش تبیین گردیده است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۵۰۱)، از جمله‌ی مسلمات فقهی و اجماعی گفته شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۵۴).

موضوع بحث در مقاله حاضر، مسئولیت فرد اولی (سبب) است که بخاطر رفتارش مستحق مجازات می‌شود یا خیر؟ زیرا در اینجا جنایت مقصود با فعل غیر مقصود واقع شده است. از سوی هم رفتار شخص اول اگر نبودی مقتول شاید به قتل نمی‌رسید. برخی گفتند اولی هیچ مسئولیت ندارد (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۲۹). دلیل بر عدم مسئولیت سبب، این است که رفتار او نسبت به قتل از حیثیت تولیدی کنار رفته بلکه نقش شرط که تأثیر فعل مباشر متوقف بر او می‌باشد، را دارد (گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵). یا به تعبیری دیگر شخص اول مثل آلت و وسیله برای کشتن است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۵۴). شرط در فقه چیزی است که باعث اثر گذاری و به نتیجه رسیدن فعل مباشر می‌گردد و در علیت جنایت دخالت ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۸۹). ولی به نظر می‌رسد که ملقی همچنان سبب است؛ اما از این جهت که مباشر رابطه استناد را قطع نموده، قصاص و دیه بر او نیست (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۶۹) اگرچه برخی گفتن در فرض اجتماع مباشر و سبب، قربانی جرم می‌تواند به هر دو مراجعه نماید (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۲۰). ولی با توجه به قاعده اجتماع سبب و مباشر درست به نظر نمی‌رسد. براساس مبنای اکثر بازم عنوان تسبیب صادق است. منتهی بخاطر مداخله

مباشر، جنایت مستند به او نیست. ولی نفس رفتار سبب، یک اقدام عدوانی و غیر مشروع است. مطابق قاعده فقهی که هر فعل حرام تعزیر دارد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۰). می‌توان گفت تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود را تعزیر کرد. زیرا اولاً نقش در زمینه سازی قتل دارد و اگر از این چشم پوشی شود حد اقل اذیت کردن و ترساندن انسان مؤمن، حرمت شرعی دارد و داخل در قاعده مذکور است. موارد مشابه در فقه و روایات وجود دارد که تعزیر آمده مثلاً در روایت فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام نقل شده است که اگر یک نفر از شرکای قتل قصاص شود بقیه بعد از ادای دیه فرد قصاص شده تعزیر شود. فرمود: "ثُمَّ إِنَّ الْوَالِيَّ بَعْدُ يَلِي أَدْبَهُمْ وَ حَبَسَهُمْ" (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۸۴). یعنی حاکم شرکای قصاص نشده را تأدیب می‌کند. معلوم است که این تأدیب و یا تعزیر بخاطر حق خصوصی مقتول نیست، بلکه این تأدیب برای اعاده حق جامعه است. زیرا قتل علاوه بر تعرض به حیات یک انسان، امنیت جامعه را هدف قرار می‌دهد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۱). پس به این نتیجه می‌رسیم که در این فرض که توسط مباشر رابطه استنادی، میان جنایت و سبب قطع شده است، سبب مستحق مجازات تعزیر است.

۲. وقوع جنایت توسط عامل غیر انسانی بعید که ناشی از رفتار سبب نیست

اگر شخصی، طفلی را به قصد کشتن به اثر اصابت بر زمین و یا غرق شدن در آب پرتاب نماید. در بین راه توسط پرنده اختطاف شود. که اختطاف اصلاً محتمل نبود و پرتاب کردن از بلندی، دخالت در اختطاف ندارد. یعنی نمی‌توان به صراحت گفت القای در بحر سبب و علت اختطاف است. مسئولیت ملقی چیست؟ و بر فرض عدم قصاص دیه باید از کجا پرداخت شود؟ شخصی ملقی درست که رفتار اولی را انجام داد و قصد قتل را هم کرده، ولی قتل با یک واقعه انجام شده که اصلاً محتمل نبود.

شخصی ملقی ملزم به پرداخت دیه می‌شود، نه مستحق قصاص، زیرا عامل اصلی مرگ یک امری کاملاً بیرونی و بیگانه از رفتار شخص ملقی است. حتی از لوازم و پیامد که به نحو مرتبط با اقدام ملقی باشد و یا حد اقل محتمل باشد و عرف وجود این عامل را بعد از اقدام ملقی پیش بینی کرده باشد هم نیست. لذا در چنین مورد نهایت می‌توان

گفت دیه لازم است و قصاص موضوعیت ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۶۳). یا اگر کسی دیگری را به قصد غرق شدن به آب بی‌اندازد ولی دومی غرق نشود بلکه در برخورد با تأسیسات در زیر دریا و کنار رود خانه از بین برود گفته شده قصاص نیست (خمینی، ۱۴۰۹ق)، ج ۲، ص ۵۱۳. شاید مقصود فرض باشد که تأسیسات اطراف دریا خیلی روشن و معلوم نباشد و عرفاً اصابت به آنها خیلی بعید به نظر برسد. بخاطر همین غیر قابل پیش‌بینی بودن حکم به دیه موجه است. پس در مورد که قتل، توسط عوامل بی‌جان و در عین حال نادر که از لوازم طبیعی و تبعی فعل مقصود نیست. در عمد بودن آن شبهه ایجاد می‌شود و از طرف در دماء باید دقت کرد و در صورت که قطع و یقین نباشد، نمی‌توان حکم به قصاص کرد بلکه دیه ثابت است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۸، ص ۱۹۴).

برخی فقیهان با اینکه مجازات دیه را تأیید می‌کنند، در عین حال اشکال وارد می‌کنند؛ زیرا که فعل نوعاً کاشنده صادر شده ولو اینکه قتل بواسطه یک فعل غیر محتمل و بسیار نادر که اصلاً ربط به ملقی ندارد، انجام شده است. از طرف قصد قتل هم وجود داشته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۴۲). از لحن صاحب جواهر به دست می‌آید که در اینجا هم جانب قصاص قوی‌تر است، زیرا فعل به نوعی کاشنده را انجام داده و تنها او است که قتل به او نسبت داده می‌شود. و ضوابط قتل عمدی کاملاً موجود است و عرف او را قاتل عمدی می‌داند. پس در تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود، در مورد که مداخله کننده غیر مقصود، کاملاً غیر قابل پیش‌بینی و بسیار نادر باشد مطابق موازین قصاص است مگر از باب احتیاط گفته شود که دیه پرداخت کند.

۳. وقوع قتل توسط عامل غیر انسانی و قابل پیش‌بینی

شخصی به هدف قتل، انسان دیگری را با رفتار به نوعی کاشنده، هدف قرار می‌دهد؛ اما به طور اتفاقی مجنی علیه توسط یک عامل دیگری غیر انسانی، ولی قابل پیش‌بینی به قتل می‌رسد. در مثال معروف آقای الف، آقای ب را بسوی دریا پرتاب می‌کند تا غرق شود؛ اما قبل از رسیدن به آب، در هوا توسط ماهی بلعیده می‌شود. بلعیده شدن توسط ماهی، مقصود شخص اول نبود، اگرچه در داخل دریا وجود و تهاجم کوسه‌ها بر انسان،

یک امر غالب و محتمل است. اینجا بلعیده شدن توسط ماهی غیر مقصود است. در اصل ضمان سبب بحث وجود ندارد، ولی شبهه در این است که قصاص و یا دیه؟

تعدادی از فقها قایل به عدم قصاص است (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۴). مهمترین دلیل و مبنای که بر این قول مستمسک قرار گرفته‌اند، این است که ملقی (سبب) قصد بلعیده شدن مجنی علیه را توسط کوسه، نکرده است، بلکه قصد غرق شدن را دارد. وقوع جنایت به واسطه فعل غیر مقصود، شبهه می‌آورد لذا تنها دیه بر ملقی (سبب) لازم است (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۲۹). برخی بر عدم قصاص ملقی به عنوان یک احتمال این گونه استدلال نموده است که قتل بواسطه فعل غیر مقصود، در واقع قتل بدون قصد می‌باشد چون قصد نسبت به وقوع قتل با این شیوه وجود نداشت. پس این قتل عمدی نیست زیرا قصدی وجود ندارد (عاملی، شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۱۰).

قول دوم مجازات قصاص است. به نظر می‌رسد که اکثریت رأی به قصاص دارند در مثال مذکور چه بعد از رسیدن و یا قبل از رسیدن به دریا، توسط ماهی بلعیده شود قصاص است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۱۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۶۳؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۸۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۴۲؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۱۰).

اکثریت این مورد را قتل عمدی دانسته‌اند و استدلال کردند که ارکان و قیود قتل عمدی در این فرض تکمیل است. از این رو قصاص جاری می‌شود. مهمترین مبنا برای قول اول که دیه را به عنوان مجازات بیان می‌کرد، این بود که جنایت با فعل غیر مقصود واقع شده است. یعنی در واقع نسبت به این نوع جنایت و با این روش دراصل قصد وجود نداشته و تبعاً جنایت شبه عمدی است و مجازات آن باید دیه باشد ولی انصافاً قصد قتل وجود دارد؛ چون قصد قتل با سبب معین و مقید و لو اینکه با وسیله دیگر از بین برود، قتل عمد است. در واقع قتل به واسطه فعل مقصود به انجام رسیده است بخاطر اینکه قصد کردن قتل با روش و فعل خاص لازم دارد قصد قتل را بصورت مطلق؛ زیرا که هدف اصلی قتل است و روش خاص موضوعیت ندارد. اینکه قصد می‌کند با رفتار معین قتل صورت گیرد به منزله این است که قتل واقع شود و هیچ فرق ندارد که با هر

وسيله واقع شود. لذا نتیجه با فعل غیر مقصود، در واقع مقصود است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۸۱). از جانب دیگر در مسئله مورد بحث، حکم عرف و صدق عرفی کاملاً روشن و واضح است. یعنی عرف این مورد را قتل عمد می‌داند و آیه مبارکه "أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ" (المائده، ۴۵) و سایر ادله‌ی قصاص در مورد بحث هم قابل تطبیق است و هیچ فرقی در این نیست که قبل از وصول و یا بعد از وصول به دریا، توسط ماهی بلعیده شود و یا اینکه توسط آب غرق شود، قتل عمد است و قصاص ثابت است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۴۲). آنچه که در قتل عمدی معیار و ملاک است، نفس قصد می‌باشد که در مورد بحث هم فعل و هم نتیجه را قصد نموده است و خصوصیات قصد ارزش ندارد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۱۰). برخی برای توجیه کردن قصاص چنین مطرح کرده است اگر ماهی و کوسه نبودی که شخص را قبل از رسیدن به آب، می‌بلعید آیا قتل عمدی محقق بود یا خیر؟ قطعاً قتل عمدی بود؛ زیرا که مجنی علیه را بسوی آب نوعاً کشنده، به قصد قتل پرتاب کرده است، تمام معیارهای قتل عمد بدون شک، موجود است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۳)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مجازات قصاص در این فرض از قوت لازم، برخوردار است. قسمی که برخی فقها با اینکه دیه را محتمل دانسته‌اند، ولی بدان جهت که قصد قتل وجود دارد، قتل به هر شیوه که تحقق یابد مقصود جانی است، لذا عمدی و قصاص دارد (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۱۰) و یا صاحب جواهر نسبت به فرض قبلی که جنایت با روش غیر مقصود که محتمل و قابل پیش بینی نبود، قصاص را تقویت کرد و با این عبارت "إن قتل بغيره مما هو نادر أيضا فضلا عن الغالب" (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۴۲) حتی اگر با مداخل کننده نادر به قتل برسد هم قصاص است چه رسد به مداخل کننده محتمل و غالب که به طریق اولی قصاص است. به نظر می‌رسد که در این فرض، قتل عمدی است و سبب در جنایت با روش غیر مقصود مستحق قصاص است.

۴. تحقق قتل شخص پرتاب شده از بلندی، از شدت ترس

اگر شخصی، دیگری را از بلندی پرتاب نماید تا با اصابت بر زمین بمیرد، ولی مجنی علیه قبل از رسیدن به زمین در هوا از شدت ترس و نگرانی بمیرد باز هم وقوع

جنایت با روش دیگر و فعل غیر مقصود انجام شده است، در این میان مسئولیت ملقی و پرتاب کننده چیست؟

برخی گفته است مردن مجنی علیه از شدت ترس و هراس، قتل عمدی می باشد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۰)؛ زیرا این ترس از لوازم تبعی فعل جانی است چون وقتی مرتکب، انسان را از بلندی پرتاب می کند، این عمل ترس را به دنبال خود دارد. در فتاوی فقهای معاصر آمده: اگر شخص پرتاب شده از بلندی از شدت ترس و خوف بمیرد، پرتاب کننده باید قصاص شود (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۵۰۸؛ فیاض، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۵).

آنچه در تحقق قتل عمد، به عنوان موضوع قصاص مهم است، موجودیت قصد قتل و استفاده از رفتار به طور نوعی کشنده است. حالا در مورد بحث که فردی را از بلندی پرتاب می کند تا اینکه بر زمین اصابت کند و جمجمه اش بشکند و بمیرد، در بین راه از شدت ترس بمیرد. اولاً بر فرض قبول اینکه مردن این شخص توسط فعل غیر مقصود بوده و جانی نمی خواست که از شدت ترس بمیرد، بلکه مقصود مردن بواسطه شکسته شدن جمجمه بود؛ ولی معیار دیگر قتل عمدی که به کارگیری رفتار نوعاً و غالباً کشنده باشد در اینجا وجود دارد. پرتاب نمودن از بلندی و آپارتمان برای انسان نوعاً کشنده است، لذا ولو مقتول از شدت ترس در هوا بمیرد باز هم عمدی است و قصاص ثابت است (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۴). ثانیاً در این مورد می توان گفت قتل با فعل مقصود به وقوع پیوسته، یعنی این جنایت توسط فعل مقصود انجام شده، زیرا به گفته‌ی برخی قصد نمودن فعل نوعاً کشنده در واقع قصد تبعی قتل را در خود دارد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴). یعنی با قصد پرتاب، تمام لوازم و پیامدهای آن از جمله ایجاد ترس مقصود تبعی رفتار جانی است.

ج: دیدگاه فقهای اهل سنت

در مسئله تسبیب در جنایت با فعل غیر مقصود در میان فقهای اهل سنت تفاوت دیدگاه وجود دارد. حنفی ها قصاص را منحصر به مباشر می دانند و سبب را به هیچ صورت

مستحق قصاص نمی‌داند (کاسانی، ۲۰۰۰م، ج ۸، ص ۷۹). مبنای دیگری اینکه قتل زمان عمدی است که وسیله قتل از جنس فلز باشد (کاسانی، ۲۰۰۰م، ج ۸، ص ۷۲)؛ لذا قتل با غریق و یا آتش، عمدی نیست بلکه شبه عمد می‌باشد (القرطبی، ۲۰۱۰م، ج ۶، ص ۲۳۱؛ الزحیلی، ۱۹۹۷م، ج ۷، ص ۵۶۵۲). با توجه به این دو مبنای، در فقه حنفی با استدلال به اینکه در قصاص مماثلت بین جنایت و مجازات بصورت همه جانبه شرط است. در تسبیب، اگر سبب قصاص شود، شرط مماثلت در قصاص نقض می‌شود. زیرا ولی دم قاتل را بصورت مستقیم و بدون واسطه، در برابر قتل با چند واسطه، به قتل می‌رساند، این خارج از قصاص شرعی می‌باشد و دلیل بر جواز آن وجود ندارد و ادله قصاص این فرض را شامل نیست (عوده، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص ۳۱؛ بهنسی، ۱۹۹۱م، ج ۳، ص ۱۰۸) بناً در مورد بحث که تسبیب در جنایت با فعل غیر مقصود باشد با تمام فروض خودش شخص اول که سبب باشد از قصاص نجات پیدا کرده و تنها در جای که مباشر حیوان و یا غیر انسان باشد نهایت دیه بر او لازم است.

اما دیدگاه سایر مذاهب فقهی اهل سنت، در باب تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود را، در دو فرض متفاوت می‌شود جداگانه بررسی کرد. فرض اول اینکه اگر مباشر انسان باشد گفته شده است که هر دو فرد هم مباشر و هم سبب ضامن است، ولی دم می‌تواند که برای قصاص و یا پرداخت دیه، به هر دو مراجعه کند (النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۵). امام شافعی بر این باور است که سبب و مباشر هر دو ضامن است (امیر عبدالعزیز، ۲۰۰۷م، ص ۴۴). ولی در فرض موجودیت مباشر، رابطه‌ی سبب با جنایت، توسط مباشر قطع می‌شود. با کدام توجیه ولی دم می‌تواند در جنایت با روش غیر مقصود به سبب و مباشر مراجعه کند، معلوم نیست. این دیدگاه در مطابقت با قواعد و موازین قرار ندارد. قول دیگری هم به شافعی نسبت داده شده اینکه با دخالت عامل انسانی که مباشر جنایت است، سبب مسئولیت ندارد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۳). پس قصاص و یا دیه از تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود طبق قول دوم شافعی‌ها که مطابق قاعده به نظر می‌رسد برداشته شده است. ولی باید تادیب شود. قسمی که برخی گفته است تعزیر می‌شود (النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۵). در مسئله مورد بحث، مجازات ملقی تعزیر است (عوده، ۲۰۰۹م،

ج ۳، ص ۳۸). می‌توان چنین تحلیل کرد که با توجه به مستندات قابل قبول که در جای خودش مورد بحث واقع شده، با وجود مباشر، رابطه سبب با جنایت قطع می‌شود و جنایت مستند به مباشر است. و در این قسمت نظر شافعی‌ها موافق با دیدگاه فقهای امامیه است و مجازات اصلی از سبب مرتفع است ولی تعزیر به‌عنوان حق عمومی قابل تطبیق است.

فرض دوم: اگر قتل توسط رفتار و فعل سبب به نتیجه نرسد و با مداخله کننده دیگر ولی غیر انسانی واقع شود. در این فرض شافعی‌ها دو قول دارد احتمال دارد دیه و نیز احتمال قصاص است، هر دو محتمل و قابل دفاع دانسته شده (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۳). ولی برخی نویسندگان معاصر قول به قصاص را بیشتر تقویت کرده است. مثل اینکه شخصی دیگری را بسوی دریای بزرگ که نوعاً غرق کننده است پرتاب نماید و نداند که در تهی دریا چاقوی هست و این فرد به چاقو اصابت کند و کشته شود قصاص بر ملقی ثابت است (امیرالعزیز، ۲۰۰۷م، ص ۵۱). فرض، مثل مسئله مورد بحث است که قتل توسط چیزی محقق شده که غیر مقصود و از طرف هم غیر محتمل و غیر قابل پیش‌بینی است. مثل قتل توسط سنگ و تأسیسات که در دریا وجود دارد. در مجموع در این فرض هم عمدی بودن قتل و مجازات قصاص قابل توجیه است،

در منابع فقهی اهل سنت آمده است اگر کسی مار را بسوی دیگری، پرتاب نماید که در نتیجه از شدت ترس بمیرد نه توسط نیش زدن مار، اگر مار زنده باشد بر فاعل قصاص است و اگر مرده باشد دیه ثابت است. یا تفصیل دیگری اینکه اگر مار بزرگ و قدرت نیش زدن را داشته باشد قصاص بر ملقی است؛ اما اگر کوچک باشد دیه است (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۱۲). این مسئله از جهات شبیه مسئله‌ی مورد بحث است، زیرا فرد قصد کرده تا با نیش مار او را به قتل برساند، ولی مقتول از شدت ترس فوت کرده و حکم مسئله را هم قصاص بیان کرده است. یعنی این تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود، مجازات قصاص را دارد.

در برخی منابع، فقهای مالکی همین فرض را بدون تفصیل قصاص دانسته است. اگر ماری را به قصد نیش زدن بسوی دیگر پرتاب کند تا او از اثر نیش مار به قتل برسد ولی

قربانی از شدت ترس فوت کند کیفر قصاص است (امیر عبدالعزیز، ۲۰۰۷م، ص ۴۶). پس در میان فقهای اهل سنت، شافعی و مالکی در تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود، در فرض که مداخله کننده عامل انسانی نباشد بیشتر طرف دار قصاص برای سبب هستند. و به نظر مطابق قاعده و قابل دفاع است.

د. موقف قانون و حقوق موضوعه

تا اینجا در مورد مسئولیت سبب، در مسئله تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود بیان شد. اما از منظر حقوق و قانون موضوعه سبب چه کیفری را مستحق خواهد بود، از این منظر بحث در دو بخش قابل طرح است. بخش اول فرض دخالت عامل انسانی و بخش دوم مداخله کننده عامل غیر انسانی.

۱. وقوع قتل با دخالت انسان

بر اساس مثال‌های مطرح شده در فقه و پرونده‌ها و قضایای که امروزه مطرح است، مثل ایجاد مسمومیت به قصد قتل و عازم شدن شخص قربانی به سوی بیمارستان و تصادف در مسیر بیمارستان که این تصادف موجب مرگ می‌شود. مطابق قانون به‌طور نمونه مواد ۲۹۵ و ۴۹۲ که معیار در مسئولیت را استناد عرفی می‌داند کیفر اصلی قتل، از سبب مرفوع است در مورد بحث هم رابطه استناد بین جنایت و رفتار شخص اول که عامل مسمومیت بود قطع می‌شود بلکه شخصی که تصادف را انجام داده مسئول است. چون عرف اینگونه حکم می‌کند و در قانون هم معیار ضمان و مسئولیت کیفری، استناد بیان شده و مسئولیت بر عامل بار می‌شود که علاوه بر عنوان تسبیب و یا مباشرت، عنوان استناد هم بر او صادق باشد (کریم‌زاده شورک، ده‌آبادی و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۶۵-۷۷). در مورد بحث جرم مستند به سبب نیست. از این رو بر شخص اول با اینکه سبب صدق می‌کند، ولی استناد قابل صدق نیست. پس از کیفر اصلی قتل، بری است. هیچ ملازمه بین عنوان تسبیب و ضمانت وجود ندارد، بلکه ممکن فردی سبب و یا حتی مباشر باشد ولی جرم به او مستند نباشد و بخاطر عدم استناد مسئولیت نداشته باشد.

در حقوق انگلیس و امریکا علل بعید و غیر مستقیم (سبب) در جنایت، کنار گذاشته می‌شود و علت بدون واسطه مسئول جنایت دانسته می‌شود. در پرونده‌ی طرح شده در انگلیس، فردی قصد کشتن همسر خود را داشت و همسر او، ناراحتی عصبی داشت، شوهر از ناراحتی عصبی همسرش آگاه بود و می‌دانست اگر همسرش را تهدید کند، او خود را از ساختمان پایین می‌اندازد. با این حال، شروع کرد به فریاد کشیدن تا اینکه باعث ترس خانم شد. خانم، خود را از آپارتمان پرتاب می‌کند ولی کشته نمی‌شود. در همان لحظه شخص دیگری می‌آید با شلیک گلوله خانم را به قتل می‌رساند. با اینکه اگر شوهر با تهدید خود نبود خانم خود را پرتاب نمی‌کرد، ولی از آنجایی که در حقوق انگلیس نباید چیزی، زنجیره‌ی سببیت را قطع کند، در این پرونده توسط شخص دیگر که شلیک کرده است و با شلیک زن را کشته است، آن رابطه‌ی سببیت قطع شده است. لذا شوهر قاتل نیست بلکه شخص دوم قاتل است (قیاسی، ۱۳۷۵، ص ۴۳). این پرونده ممکن کمی تفاوت کند با قضیه مورد بحث؛ اما ملاک موجود است زیرا نسبت به قتل، شوهر نقش سبب را دارد و جنایت با فعل غیر مقصود واقع شده است زیرا شوهر قصد داشت با پرتاب شدن بمیرد نه با شلیک پس مجازات قتل بر سبب نیست.

اما شخص اول از آنجای که اقدام به رفتار غیر قانون و قابل سرزنش نموده و باید تعزیر و یا تنبیه شود. به بیان برخی ملقی (سبب) و یا سبب تنها تحت عنوان معاون جرم قابل تعقیب است (قیاسی، ۱۳۷۵، ص ۲۹). در تسیب در جنایت با روش غیر مقصود اگر به ماده ۱۲۶ ق م، به ویژه بند پ «هر کس وقوع جرم را تسهیل کند» توجه شود، سبب واقعا تسهیل کننده است و مقتول را در دسترس و تیررس قاتل قرار داده است، ولی پذیرفتن معاونت سخت به نظر می‌رسد زیرا که وحدت قصد در معاونت شرط است که در اینجا محرز نیست. خصوصا به تعبیر برخی معاون جرم باید آشنای با چگونگی عمل و کیفیت مجرمانه داشته و خواستار نتیجه باشد (شامیاتی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶). در اینجا نتیجه را خواستار است ولی تبانی اصلا وجود ندارد. لذا به نظر می‌رسد که معاونت سبب در جنایت با روش غیر مقصود قابل دفاع نیست. شاید مجازات تعزیری قابل تطبیق باشد. در قانون مجازات اسلامی جرایم تعزیری فروان وجود دارد اگرچه در خصوص مورد چیزی

نیست ولی مبانی فقهی تعزیر در این مورد قابل تطبیق است. قاعده التعزیر لکل حرام (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۰) ولی از آنجای که همه محرمات، قابل جرم انگاری نیست. باید ضابطه بیان شود و ضابطه اینکه هر حرام که کیان اسلام را تهدید و امنیت اجتماع را از بین ببرد و هر عمل که باعث اذیت دیگران شود، به عنوان تعزیر قابل جرم انگاری است (صافی، بی تا، ص ۳۸). و از جمله آزار و اذیت کردن مسلمان از مواردی است که شک در استحقاق تعزیر برای مرتکب آن نیست (سلیمی، ۱۳۹۶، ص ۷۷). البته با دستور و صلاح دید حاکم شرع در تعیین میزان و شیوه اجرای آن. با اینکه مبنای تعزیری دارد، ولی نگارندگان به ماده قانونی در قانون مجازات اسلامی مواجه نشده است.

۲. دخالت علت غیر انسانی

در این فرض سبب قصد قتل می کند و فعل نوعاً کشنده از او صادر می شود، ولی قربانی توسط دخالت کننده غیر انسانی مثل سلسل، زلزله و یا حیوانات که غیر مقصود است، تلف می شود. حکم مسئله چیست و مشخصاً مجازات تسبیب چیست؟ اگر عامل که باعث قتل شده، از لوازم طبیعی فعل مقصود نبوده است بلکه عامل کاملاً بیرونی که هیچگونه ارتباط به فعل مقصود ندارد. مثل اینکه طفل را حبس می کند تا از شدت گرسنگی بمیرد ولی طفل توسط گزیدن مار بمیرد. برخی گفتند قصاص نیست بلکه دیه بر سبب است (صادقی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۵). اما با توجه به اینکه اولاً قتل، مستند به سبب است. ثانیاً عمدی است زیرا هم قصد وجود دارد و هم فعل غالباً کشنده است و اگر همین قصد و رفتار سبب نبودی، قتل واقع نمی شد. معیار قتل عمد به نظر موجود است. به همین جهت به باور برخی حقوق دانان جنایت با روش غیر مقصود، مصداق ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. زیرا در این ماده یکی از موارد عمد، جنایت نظیر دانسته شده. جنایت با فعل غیر مقصود، به طریق اولی مصداق ماده فوق است. استدلال به اولویت به اینگونه است که جنایت نظیر، جنایت متفاوت از جنایت مقصود است. اما جنایت با روش غیر مقصود طبق نمونه ها و مثالها عین جنایت است که سبب می خواهد. ولی روش غیر مقصود است و از سوی هم خصوصیات قصد و روش،

موجب تغییر وصف عمدی نمی‌گردد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ص ۲۹۴). لذا مطابق قاعده قصاص است. ولی در عین حال بهتر این خواهد بود که در اینجا از باب احتیاط در دما و نیز عارض شدن شبهه بخاطر غیر قابل پیش بینی بودن علت قتل، از قصاص صرف نظر شود و مجازات دیه پیشنهاد می‌گردد.

اما اگر وقوع قتل توسط عوامل غیر انسانی ولی قابل پیش بینی محقق شود. اگر شخصی دیگری را به دریا بیندازد، به قصد اینکه غرق شود ولی قبل از رسیدن به آب توسط کوسه بلعیده شود. با وصف اینکه کوسه در دریا وجود دارد و امر محتمل هست. در این صورت مسئولیت سبب چه خواهد بود؟ برخی در این مورد دیه را از باب احتیاط می‌دانند و می‌گویند قاعده در مانع از اجرای قصاص می‌شود؛ زیرا حیوان اراده دارد و زنجیره‌ی استناد میان قتل و سبب قطع می‌گردد (ساریخانی و فضل‌ی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۱)، ولی به نظر می‌رسد که عرفاً رابطه استناد بر قرار است زیرا حیوان مسئولیت ندارد و نتیجه به سبب انسانی نسبت داده می‌شود نه به حیوان. اینکه نویسندگان می‌فرمایند: حیوان اراده دارد، بر فرض قبول، باید گفت حیوان مثل موجود بی‌جان است و اراده او اعتبار ندارد (آقای‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۴۸). نمی‌توان پذیرفت که دخالت حیوان یا هر عامل غیر انسانی، جنایت عمدی سبب را، به غیر عمدی تغییر دهد. لذا به باور برخی در عمدی بودن این نوع از قتل جای شک نیست بلکه حتماً عمدی است و قصاص دارد (صادقی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۵).

مورد دیگر، کسی بقصد قتل دیگری را از بلندی پرتاب می‌کند تا به زمین اصابت کند مجموعه بشکند و بمیرد و هدف ایجاد خوف را ندارد، ولی قربانی از شدت ترس در هوا می‌میرد. در اینجا عدم ضمان محتمل نیست ولی قصاص یا دیه؟ چون ترس ناشی از فعل جانی است. گفته شده این ترس فعل جانی است چون اثر لاینفک رفتار جانی است و پیامد تبعی و عرفی فعل جانی است. همان قسمی که نفس پرتاب کردن فعل عمدی نوعاً کشنده به قصد کشتن انجام شد، وصف جنایت عمدی را داراست ایجاد ترس هم فعل عمدی است و مجازات قتل عمدی را دارد. به گفته برخی نه تنها ترساندن بلکه اموری مثل ترسیدن و برخورد بر اشیای مختلف در مسیر راه تا زمین، از افراد فعل مقصود (پرتاب کردن) می‌باشد. قطعاً چنین قتل عمدی است و قصاص دارد (صادقی،

۱۳۹۹، ص ۱۶۵). عمدی بودن مقید شده است به اینکه فعل غیر مقصود از افراد تبعی رفتار مقصود باشد، ولی به نظر می‌رسد این قید لازم نیست زیرا فرد اقدام به رفتار نوعاً کشنده و به قصد قتل انجام داده و اگر ترس باعث قتل نمی‌شد، بازهم قتل واقع می‌شد و براساس داوری عرف و مقتضای انصاف، سبب به میزان جنایت عمدی قابل سرزنش است. و همین میزان سرزنش عرفی معتبر است (کریم‌زاده شورک و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۴۵-۷۷) مگر اینکه مثل فرضی که عامل مداخل کننده محتمل و قابل پیش نبود، از باب احتیاط در دما، قصاص محدود شود به فرض که ترس از آثار لاینفک فعل سبب باشد.

جمع بندی

با توجه به مطالب مذکور می‌توان نتایج ذیل را عرضه کرد.

۱. تسبیب به عنوان یکی از موجبات مسئولیت کیفری، یک قاعده و اصل کلی و قابل تسری بر تمام انواع سبب است، از جمله در مورد «تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود» تسبیب براساس نوع رفتار، قابلیت متصف شدن به عمد و غیر عمد را دارا است. دخالت یک عامل غیر مقصود، باعث تغییر عنوان مجرمانه نخواهد شد. بلکه تسبیب همچنان مستحق سرزنش و دارای مسئولیت کیفری است، مگر اینکه فعل غیر مقصود از سوی عامل انسانی ایجاد شده باشد که در این صورت رابطه استنادی میان جنایت و سبب قطع می‌شود و به مباشر مستند خواهد بود.

۲. در تسبیب در جنایت با روش غیر مقصود، ولو اینکه عامل به وجود آورنده‌ی جنایت غیر مقصود، سبب نیست، ولی از آنجایی که سبب، قصد جنایت کرده و رفتاری به نوعی کشنده از او صادر شده اگر چنانچه مداخله کننده عامل انسانی نباشد، سبب همچنان قاتل عمدی به حساب می‌آید و مستحق قصاص است؛ از این رو در صورتی که علت جنایت (فعل غیر مقصود) حیوان یا موجودات بی‌جان باشد باز قتل عمدی بر سبب مستند است و مجازات قصاص را در پی دارد. در اینکه گفته شده اگر فعل غیر مقصود حیوان باشد و حیوان چون اراده دارد لذا مداخله حیوان باعث انقطاع رابطه استناد جنایت از سبب می‌شود، بدون پشتوانه و دلیل است، بلکه در تمام فروض تسبیب در جنایت با

روش غیرمقصود در صورتی که مباشر عامل انسانی دارای مسئولیت کیفری نباشد، جنایت مستند به سبب خواهد بود و به تبع مستحق قصاص است.

۳. در مواردی که رابطه جنایت با سبب توسط عامل انسانی قطع می‌شود، براساس موازین فقهی، سبب بخاطر رفتار عدوانی خود مستحق تعزیر است. به‌ویژه براساس قاعده فقهی «التعزیر لکل حرام»، سبب باید تعزیر شود ولی در قانون مجازات اسلامی با توجه به اینکه برای رفتارهای حرام مثل فراری دادن قاتل از زندان براساس ماده ۵۴۹ و رباخواری براساس ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات، مجازات تعزیری پیشنهاد شده است؛ اما برای رفتار حرام مثل تسبیب در جنایت با روش غیرمقصود چیزی وجود ندارد، مگر اینکه تحت عناوین دیگر قابل تعقیب و بررسی باشد که البته عناوین مشابه وجود دارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

آقای نیا، حسین. (۱۳۸۵). جرایم علیه اشخاص (چاپ دوم). تهران: نشر میزان.
اسماعیل صینی، محمود. (۱۴۱۴ق). المکتز العربی المعاصر (چاپ اول). بیروت: مکتبه لبنان
ناشرون.

امامی، سیدحسن. (بی تا). حقوق مدنی (امامی) (ج ۱). تهران: انتشارات اسلامیة.

امیر عبد الغزیز. (۲۰۰۷م). الفقه الجنائی فی الاسلام (چاپ سوم). قاهره: دار السلام للنشر.

انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن (ج ۵، چاپ اول). تهران: انتشارات سخن.

بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵ق). فرهنگ ابجدی (چاپ دوم). تهران: ناشر اسلامی.

بهنسی، احمد فتحی. (۱۹۹۱م). الموسوعه الجنائیه فی الفقه الاسلامی (ج ۳، چاپ اول). بیروت:
دار النهضة العربیه.

تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۶ق). تنقیح مبانی الأحکام - کتاب القصاص (چاپ دوم). قم: دار
الصدیقه الشهیده ع.

جزیری، عبد الرحمن؛ غروی، سیدمحمد؛ یاسر مازح. (۱۴۱۹ق). الفقه علی المذاهب الأربعة و
مذهب أهل البيت علیهم السلام (ج ۵، چاپ اول). بیروت: دار الثقلین.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح (ج ۱، ۲، چاپ اول). بیروت: دارالملايين.

حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۹۶). جرایم علیه اشخاص (چاپ اول). تهران: نشر میزان.

حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۹۹). قواعد فقه جزایی (چاپ پنجم). قم: پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه.

حلی، شمس الدین محمد بن شجاع القطن. (۱۴۲۴ق). معالم الدین فی فقه آل یاسین (ج ۲، چاپ
اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج (ج ۴۲، چاپ اول). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي عليه السلام.
- راغب، حسين بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن (چاپ اول). بيروت: دار القلم.
- الزحيلي، وهبه. (۱۹۹۷م). الفقه الاسلامي و ادلته (ج ۷، چاپ چهارم). دمشق: دار الفكر.
- ساريخاني، عادل؛ مهدي، فضلي. (۱۳۹۸). جنایت نظير و اشتباه در جنایت در قانون مجازات اسلامي ۹۲. پژوهش حقوق كيفري، ۷(۲۶)، صص ۱۹۱-۲۲۶.
- سيزواري، سيد عبد الأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (للسبزواري) (ج ۲۸، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله.
- سرخسي، محمد. (۲۰۰۰م). المبسوط (ج ۱۳، چاپ اول). بيروت: دار الفكر.
- سليمي، محمد. (۱۳۹۶). تعزيرات در نظام قضايي اسلام (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضايي خدمات اداري.
- شامبياتي، هوشنگ. (۱۳۸۲). حقوق كيفري اختصاصي (چاپ هفتم). تهران: انتشارات مجد.
- شهيد اول، محمد بن مكى عاملي. (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية (چاپ اول). بيروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
- شهيد اول، محمد بن مكى عاملي. (۱۴۱۴ق). غاية المراد في شرح نكت الإرشاد (ج ۴، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
- شهيد ثاني، زين الدين بن علي عاملي. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (ج ۱۰، چاپ اول). قم: كتابفروشي داوري.
- شهيد ثاني، زين الدين بن علي عاملي. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (ج ۱۵، چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- صادقي، هادي. (۱۳۹۹). جرايم عليه اشخاص (چاپ بيست و دوم). تهران: ميزان.
- صافي، لطف الله. (بی تا). التعزير. بی جا: موسسه النشر الاسلامي.
- طباطبايي حائري، سيد علي بن محمد. (۱۴۱۸ق). رياض المسائل (ط - الحديثة) (ج ۱۴، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط في فقه الإمامية (ج ۷، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۵، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی. (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثه) (ج ۱۸، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد في شرح القواعد (ج ۴، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام (ج ۳، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ق). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ج ۵، چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- عوده، عبد القادر. (۲۰۰۹م). التشريع الجنائي الاسلام (ج ۳، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الغماری الحسینی، احمد بن محمد. (۲۰۱۰م). الهدایه (چاپ دوم). بیروت: عالم الکتب.
- فاضل لنکرانی، شیخ محمد. (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعة في شرح تحرير الوسيلة - القصاص (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار عليه السلام.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام (ج ۱۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فراهیدی خلیل ابن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۷، چاپ دوم). قم: هجرت.

- فیاض محمد اسحاق. (بی تا). منهاج الصالحین (للفیاض)، ۳ جلدی. بی جا، بی نا.
- القرطبی، احمد بن رشد. (۲۰۱۰م). بداية المجتهد و نهاية المقتصد (ج ۶، چاپ اول). طهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه.
- قیاسی، جلال الدین. (۱۳۷۵). تسبیب در قوانین کیفری (چاپ اول). قم: انتشارات مدین.
- کاسانی، علاء الدین. (۲۰۰۰م). بدائع الصنائع (ج ۸، چاپ اول). بیروت: دار المعرفه.
- کریمزاده شورک، محمد حسین؛ حاجی ده آبادی، احمد و برزگر، عبد الرضا. (۱۴۰۱). تحولات سببیت و استناد در قانون مجازات اسلامی. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۹ (۷۳)، صص ۶۵-۷۷.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱۰، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی. (۱۳۸۸). قواعد فقه جزایی (چاپ دوم). مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان (ج ۱۰، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۴، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مدنی کاشانی، آقارضا. (۱۴۱۰ق). القصاص للفقهاء و الخواص (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- معین محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی (ج ۲، چاپ نهم). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۰۹ق). تحریر الوسيلة (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۴۰۰). جرایم علیه اشخاص (چاپ سی ام). تهران: میزان.
- نجفی محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام (ج ۳۷، ۴۲، ۴۳، چاپ هفتم). بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

النووی ابو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف. (بی تا). المجموع (ج ۱۹). بیروت: دارالفکر.
وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ق). منهاج الصالحین (للوحید) (۳ جلدی، چاپ پنجم). قم:
مدرسه امام باقر علیه السلام.
هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۰۱). عفو الحاکم فی العقوبات، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام
(بالعربیة) موسسه دائرة المعارف فقه اهلیت علیهم السلام شماره ۱۵، صص ۴۳-۱۱.

References

* The Holy Quran

Abodolaziz, A. (2007). *Al-Fiqh al-Jinaei fi al-Islam* (3rd ed.). Cairo: Dar al-Salam Publications. [In Arabic]

Aghaeinia, H. (2006). *Crimes against persons* (2nd ed.). Tehran: Mizan Publications. [In Persian]

Al-Ghamari al-Husayni, A. (2010). *Al-Hidayah* (2nd ed.). Beirut: Alam al-Kutub. [In Arabic]

Allama Hilli, H. (1989). *Irshad al-Adhhan ila Ahkam al-Iman* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]

Allama Hilli, H. (1992). *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram* (Vol. 3, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]

Allama Hilli, H.. (1999). *Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyah 'ala Madhhab al-Imamiyya* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Imam Sadiq Foundation. [In Arabic]

Al-Qurtubi, A. (2010). *Bidayat al-mujtahid wa nihayat al-muqtasid* (Vol. 6, 1st ed.). Tehran: The World Assembly for Proximity of Islamic Schools of Thought. [In Arabic]

Al-Zuhayli, W. (1997). *Al-fiqh al-Islami wa adillatuh* (Vol. 7, 4th ed.). Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]

Amili Karaki, Al-Muhaqqiq al-Thani, A. (1993). *Jami' al-maqasid fi sharh al-qawa'id* (Vol. 4, 2nd ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]

Amili, S. J. (1998). *Miftah al-karamah fi sharh qawa'id al-Allama* (Modern ed., Vol. 18, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office, affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]

Anvari, H. (2002). *Sokhan Grand Dictionary* (Vol. 5, 1st ed.). Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]

- Behensi, A. F. (1991). *The criminal encyclopedia in Islamic jurisprudence* (Vol. 3, 1st ed.). Beirut: Dar al-Nahda al-‘Arabiyya. [In Arabic]
- Bustani, F. A. (1956). *Abjadi Dictionary* (2nd ed.). Tehran: Islamic Publisher. [In Arabic]
- Emami, S. H. (n.d.). *Civil law (Emami)* (Vol. 1). Tehran: Islamic Publications. [In Persian]
- Esmail Sini, M. (1993). *Al-Maknaz al-‘Arabi al-Mu‘asir* (1st ed.). Beirut: Library of Lebanon Publishers. [In Arabic]
- Farahidi, K. (1989). *Kitab al-'Ayn* (Vol. 7, 2nd ed.). Qom: Hijrat. [In Arabic]
- Fayyaz, M. I. (n.d.). *Minhaj al-salihin* (3 vols.). [In Arabic]
- Fazel Hindi, M. b. H. (1995). *Kashf al-litham wa al-ibham 'an qawa'id al-ahkam* (Vol. 11, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Fazel Lankarani, M. (2000). *Tafsil al-shari'ah fi sharh tahrir al-wasilah - al-Qisas* (1st ed.). Qom: A'imma Athar Fiqh Center. [In Arabic]
- Haji Dehabadi, A. (2017). *Crimes against persons* (1st ed.). Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
- Haji Dehabadi, A. (2020). *Principles of criminal jurisprudence* (5th ed.). Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
- Hashemi Shahroudi, S. M. (1981). The pardon of the ruler in punishments. *Journal of Fiqh Ahl al-Bayt* (in Arabic), Institute of Encyclopedia of Ahl al-Bayt Jurisprudence, (15), pp. 11-43. [In Arabic]
- Hilli, Sh. (2003). *Ma‘alim al-Din fi Fiqh Al Yasin* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Imam Sadiq Foundation. [In Arabic]
- Jaziri, ‘A. R., Gharawi, S. M., & Yaser Mazeh. (1998). *Fiqh according to the four Sunni schools and the school of Ahl al-Bayt* (Vol. 5, 1st ed.). Beirut: Dar al-Thaqalayn. [In Arabic]
- Johari, I. b. H. (1956). *Al-Sihah* (Vols. 1-2, 1st ed.). Beirut: Dar al-Malayin. [In Arabic]

- Karimzadeh Shurak, M. H., Haji Dehabadi, A., & Barzegar, A. R. (2022). Developments in causality and attribution in the Islamic Penal Code. *Islamic Law*, 19(73), 65–77. [In Persian]
- Kasani, A. (2000). *Bada'i' al-sana'i'* (Vol. 8, 1st ed.). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Khoei, S. A. M. (2001). *Mabani Takmilat al-Minhaj* (Vol. 42, 1st ed.). Qom: Mu'asasa Ihya Athar al-Imam Khoei. [In Arabic]
- Khomeini, S. R. (1989). *Tahrir al-Wasila* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Dar al-'Ilm Publications. [In Arabic]
- Kulayni, A. (1987). *Al-Kafi* (Vol. 10, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Madani Kashani, A. R. (1990). *Al-Qisas lil-fuqaha' wa al-khawas* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2021). *Crimes against Persons* (30th ed.). Tehran: Mizan. [In Persian]
- Moein, M. (1996). *The Persian Dictionary* (Vol. 2, 9th ed.). Tehran: Amir Kabir Publishing Institute. [In Persian]
- Mohaghegh Ardebili, A. b. M. (1983). *Majma' al-fa'ida wa al-burhan fi sharh Irshad al-adhhan* (Vol. 10, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
- Muhaqqiq Hilli, N. (1988). *Sharā'i' al-Islam fi masa'il al-halal wa al-haram* (Vol. 4, 2nd ed.). Qom: Isma'iliyan Institute. [In Arabic]
- Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-kalam* (Vols. 37, 42, 43, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Nawawi, A. (n.d.). *Al-Majmu'* (Vol. 19). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Qiyasi, J. (1996). *Tasbib in Criminal laws* (1st ed.). Qom: Madin Press. [In Persian]
- Raghib, H. b. M. (1991). *Mufradat al-faz al-Quran* (1st ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]

- Research Group of Law, Razavi University of Islamic Sciences. (2009). *Principles of Criminal Jurisprudence* (2nd ed.). Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences Press. [In Persian]
- Sabzewari, S. A. (1992). *Muhadhdhab al-ahkam* (Vol. 28, 4th ed.). Qom: Al-Manar Institute – Office of Ayatollah. [In Arabic]
- Sadeqi, H. (2020). *Crimes against persons* (22nd ed.). Tehran: Mizan. [In Persian]
- Safi, L. (n.d.). *Al-Ta'zir*. n.p.: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Salimi, M. (2017). *Ta'zirat in the Judicial System of Iran* (1st ed.). Tehran: University of Judicial Sciences and Administrative Services Press. [In Persian]
- Sarakhsi, M. (2000). *Al-Mabsut* (Vol. 13, 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Sarikhani, A., & Fazli, M. (2019). Mistaken and similar crimes in the Islamic Penal Code of 2013. *Journal of Criminal Law*, 7(26), pp. 191–226. [In Persian]
- Shahid Awwal, M. (1990). *Al-Lum'ah al-Dimashqiyyah fi fiqh al-Imamiyyah* (1st ed.). Beirut: Dar al-Turath – Al-Dar al-Islamiyya. [In Arabic]
- Shahid Awwal, M. (1993). *Ghayat al-murad fi sharh nukat al-irshad* (Vol. 4, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]
- Shahid Thani, Z. (1990). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 10, 1st ed.). Qom: Dawari Bookshop. [In Arabic]
- Shahid Thani, Z. (1993). *Masalik al-afham ila tanqih sharā'i' al-Islam* (Vol. 15, 1st ed.). Qom: Al-Ma'arif Al-Islamiyya Institute. [In Arabic]
- Shambayati, H. (2003). *Personal Judicial Laws* (7th ed.). Tehran: Majd Publications. [In Persian]
- Tabatabai Haeri, S. 'A. b. M. (1997). *Riyad al-Masa'il (modern edition)* (Vol. 14, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Foundation. [In Arabic]
- Tabrizi, J. b. 'A. (2005). *Tanqih Mabani al-Ahkam: Kitab al-Qisas* (2nd ed.). Qom: Dar al-Siddiq al-Shahida. [In Arabic]
- Tusi, A. (1967). *Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyya* (Vol. 7, 3rd ed.). Tehran: Al-Maktaba al-Murtadawiya. [In Arabic]

- Tusi, A. (1987). *Al-Khilaf* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office, affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
- Uda, A. Q. (2009). *Al-Tashri' al-jina'i al-Islami* (Vol. 3, 1st ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Vahid Khorasani, H. (2007). *Minhaj al-Salihin (Le al-Vahid)* (3 vols., 5th ed.). Qom: Imam Baqir School. [In Arabic]